**فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc425931138)

[اصل نماز و پرستش مبدأ خالقیّت 2](#_Toc425931139)

[نظام خلقت و طبیعت 3](#_Toc425931140)

[اساس و اصل نماز 4](#_Toc425931141)

[نماز در ادیان الهی 4](#_Toc425931142)

[خطبه دوم 6](#_Toc425931143)

[فرازهایی از خطبه 188 نهج‌البلاغه 6](#_Toc425931144)

[مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در گذشته 7](#_Toc425931145)

[ملی شدن صنعت نفت 7](#_Toc425931146)

[ارزیابی نقش و میزان تأثیر افراد در واقعه 28 مرداد 8](#_Toc425931147)

[اشاره به کنکور 9](#_Toc425931148)

[آمار کنکور کشوری: 9](#_Toc425931149)

# خطبه اول

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکّل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ من شرور انفسنا و سیّئات اعمالنا و نصلّی و نسلّم سیّدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الأطیبین اطهرین سیّما بقیة الله فی الارضین.**

**اعوذ بالله سمیع علیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوی الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه.**

# اصل نماز و پرستش مبدأ خالقیّت

یکی از نیازهای ثابت در وجود و روح انسان، نیایش و پرستش خداوند است. این نیاز، مانند سایر نیازهایی که در وجود انسان قرار دارد، باید پاسخ داده شود. عبادت پاسخی به نیاز روح و روان انسان است. دین، پیامبران، کتاب‌های آسمانی و اولیای الهی بر عبادت خدا فراخوانده‌اند، پاسخی به نیاز روح انسان است. ذات و وجود انسان نیازمند تعلق و پرستش خداوند متعال است. پرستش اساساً و قطع‌نظر از هر فایده و اثری که داشته باشد، خودش یکی از نیازهای روحی بشر است. انجام ندادن آن، در روح بشر ایجاد عدم تعادل می‌کند.

**مثال:** انسان نیاز به غذا دارد، اما کاری برای او پیش‌آمده که از گرسنگی غافل شده و متوجه نیست. و اگر این غفلت کنار برود، نیاز به گرسنگی را درک می‌کند.

بنابراین نیازهای انسان گاهی اوقات موردتوجه است که در آن موقع، متوجه نیاز خود می‌شود. اما در خیلی از مواقع، انسان نیاز به چیزی دارد، اما مانعی باعث غفلت و پوشش آن نیاز شده است.

انسان‌ها باید توجه داشته باشند که زندگی روزمره و کشش‌های شهوانی و جسمانی باعث غفلت آن‌ها از عبادت خداوند که نیاز روح و روان انسانی است،‌ نشود.

اگر کسی بدنش به چیزی برای بقای او لازم است نیاز داشته باشد، اما احساس به آن نیاز را نکند، بدن آسیب‌های جدی می‌بیند. بالعکس همین‌طور است که اگر اشتها وجود داشته باشد ولی نیاز بدن نباشد، مانند انسان‌های پرخوری که اشتهای فراوان دارند. در اینجا نیز سازمان بدن مختل می‌شود. یکی از زیبایی‌های خلقت پروردگار در سازمان و ارگانیزم حیوانات، تناسب اشتها با نیاز واقعی است. این تناسب اگر یک‌طرف دچار اختلال بشود، تمام دستگاه، کالبد فرومی‌ریزد.

# نظام خلقت و طبیعت

خداوند عالم را آفرید و پدیده‌ها را به وجود آورد، و تمام این‌ها را مانند یک ساعت دقیق، نظم داد و بین آن‌ها تناسب و ارتباط صحیح برقرار کرد. قرآن به تأمل به مظاهر خلقت خدا و شناخت این آیات عظیم تناسب و نظم پدیده‌های عالم بزرگ الهی دعوت می‌کند. ادیان الهی، پیامبران که خاتم آن‌ها پیامبر (ص) است، این‌ها آمدند که انسان‌ها را متوجه نیازهایشان کنند و مانع این شوند که غفلت انسان را از نیاز بازدارد. نیاز به پرستش و نیایش با خداوند، نیازی است که در عمق وجود و فطرت پاک هر انسانی قرار دارد.

عبادت همان‌طور که در سوره شعرا آمده است، اولین فریادهای پیامبران در این سوره نشان می‌دهد که: **«یا أَیهَا النَّاسُ اعْبُدُواْ رَبَّکمُ الَّذِی خَلَقَکمْ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِکمْ لَعَلَّکمْ تَتَّقُونَ**»[[2]](#footnote-2) بندگان، خدا را عبادت کنید. میلی در انسان است که باید با میل پرستش خدا آن را پاسخ بدهند. توصیه همه انبیاء، عبادت خدا است. تنظیم اشتها و میل با آن نیاز واقعی از چهره‌های بدیع نظم خداوند است.

در عالم معنویت، حجاب‌ها فراوان است، موانع راه و آسیب‌های فراوانی وجود دارد که نیاز به آمدن انبیاء بوده که دائم انسان‌ها را دعوت به ایجاد میل می‌کردند. این نکته بسیار مهمی که تمام انسان‌ها باید به آن توجه کنند و نسبت به عبادت و پرستش در خود ایجاد میل و انگیزه کنند. این نیاز در قالب نماز جلوه‌گر شده است و باید با میل به آن پاسخ داده شود.

# اساس و اصل نماز

اساس نماز، شوق در وجود انسان است. درجایی که شوق و انگیزه و اشتها، میل ربّانی نیست، نماز به یک عادت تبدیل می‌شود. تا زمانی که شوق و انگیزه نماز در انسان هست، آن موقع نماز، پرستش است و به نیاز واقعی پاسخ می‌دهد. برای همین به اخلاص، توجه، اهتمام، انگیزه و شوق بر نماز تأکید شده است. کسی که با رکعتی نماز شوق او تمام می‌شود، این آدم ظرفیت کمی دارد و نفهمیده است که در درون او چه نیاز عظیمی به‌حق است، نیازی که هرچه به آن پاسخ بدهید، انسان را جلوتر می‌برد. نیازی که پایان‌ناپذیر است و در خط بی‌انتهای اتصال به خداوند قرار دارد. کسی با یک زیارت شوقش از بین می‌رود، در مقابل کسی ساعت‌ها زیارت می‌کند و از شدّت شوق چیزی نمی‌فهمد، در این شوق و علاقه لذّت‌هایی وجود دارد که خیلی بالاتر از لذت‌های مادی است.

بعضی‌اوقات افرادی، تعجب می‌کنند که فردی کار نیکی را بدون مزد انجام می‌دهد. انسانی که در منطق مادی غرق‌شده است، به‌هیچ‌عنوان برایش مفهوم نیست که فردی بدون مواجب و مزدی، کاری را انجام بدهد. ولی این ضعف طرف است، زیرا همین کار برای آن فرد بالاترین لذّت و شوق را دارد. بشر بدون احساس التذاذ هیچ کاری را انجام نمی‌دهد. کار انسان برای این است که لذّت ببرد، ولی فرق انسان‌ها این است که یکی تمام لذّتش در خوردوخوراک و شهوت است ولی کسی لذّت‌های بالاتر و ارزشمندتری را کشف کرده و عرصه‌های دیگری را به روی خود گشوده است. این نیاز واقعی در انسان به‌عنوان پرستش و عبادت وجود دارد و بهترین و مهم‌ترین چهره‌ی این پرستش حق در نماز تجلّی کرده است.

# نماز در ادیان الهی

نماز، ظواهرش ممکن است در ادیان الهی تفاوت‌هایی داشته باشد، اما حقیقت و چهارچوب‌های کلی نماز به‌عنوان مهم‌ترین عبادت خدا در همه ادیان الهی بوده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «**رَبَّنَا إِنِّی أَسْکنْتُ مِنْ ذُرِّیتِی بِوَادٍ غَیرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیتِک الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِیقِیمُوا الصَّلَاةَ**»[[3]](#footnote-3) پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب‌وعلفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند.

آیه دیگر: «**وَإِذْ أَخَذْنَا مِیثَاقَ بَنِی إِسْرَائِیلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَینِ إِحْسَانًا وَذِی الْقُرْبَی وَالْیتَامَی وَالْمَسَاکینِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِیمُوا الصَّلَاةَ**»[[4]](#footnote-4) و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید.

آیه دیگر: «**وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً یهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَینَا إِلَیهِمْ فِعْلَ الْخَیرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِیتَاءَ الزَّکاةِ»[[5]](#footnote-5)** و آنان را پیشوایانی قراردادیم که به‌فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی کردیم؛ و تنها ما را عبادت می‌کردند.

در مورد حضرت موسی، زکریا و.. آمده: «**فَنَادَتْهُ الْمَلَائِکةُ وَهُوَ قَائِمٌ یصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ**»[[6]](#footnote-6) و هنگامی‌که او در محراب ایستاده، مشغول نیایش بود، فرشتگان او را صدا زدند.

این آیات و بعضی از آیات دیگر نشان می‌دهد که سنّت و حقیقت نماز به‌عنوان بهترین وسیله برای ارتباط باخدا و ایجاد ارتباط با مبدأ عالم، هست. در اسلام همان سنّت، به‌مراتب بیشتر مورد تأکید قرارگرفته است تا جایی که قرّة‌العین رسول خدا شده است.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[7]](#footnote-7)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا[[8]](#footnote-8) ثمّ الصلاة والسلام علی سیدنا و نبیّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد (ص) و علی آله الاطیبین اطهرین لاسیّما بقیّة الله فی الأرضین و صلّی علی سیّدنا و مولانا و امامنا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) صلّی علی صدّیقة الطاهرة فاطمة الزهرا (س) و علی الحسن والحسین سیّدی شباب اهل الجنّة و علی ائمّة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و بعلی بن محمد والحسن بن علی والخلف القائم المنتظر (عج) اهل‌بیت نبوّة و موضع الرسالة و مختلفة الملائکة والمعدن العلم صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله سمیعٌ علیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَکونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ[[9]](#footnote-9).**

# فرازهایی از خطبه 188 نهج‌البلاغه

در فرازهایی از خطبه 188 مولا علی (ع)، مردم را به تقوا سفارش کردند. **أُوصِیکمْ أَیهَا اَلنَّاسُ بِتَقْوَی اَللَّهِ وَ کثْرَةِ حَمْدِهِ عَلَی آلاَئِهِ**. شما را به پرهیزکاری و پارسایی سفارش می‌کنم و شما را به حمد و ستایش فراوان خدا به خاطر نعمت‌های بی‌کران او توصیه می‌کنم. خداوندی که شمارا به نعمت‌های فراوانی مفتخر ساخت و رحمتش، وجود شمارا فراگرفت. خدایی که شما بارها مرزهای عبودیت او را شکستید، اما او حریم شمارا نگه داشت. خدایی که شما بارها موجب عذاب، مؤاخذه عقاب او شدید، امّا از سر لطف و عنایت شمارا بخشید. (**أُوصِیکمْ بِذِکرِ اَلْمَوْتِ وَ إِقْلاَلِ اَلْغَفْلَةِ عَنْهُ)** شما را به یاد واپسین لحظات عمر، فرارسیدن مرگ و غفلت نکردن از آن توصیه می‌کنم. شما چگونه غافل شده‌اید، از چیزی که او هیچ‌وقت از شما غافل نیست. چگونه طمع بستید در حیات باقی، درحالی‌که عمر شما را مهلت نخواهد داد. بهترین موعظه برای شما، تابوت‌هایی است که از جلوی روی شما عبور می‌کند، می‌بینید که جنازه‌ها و تابوت‌ها، هر روز از جلوی چشمان شما عبور می‌کند و دوستان، نزدیکان، خویشاوندان و رفقای خود را می‌بینید. **(حُمِلُوا إِلَی قُبُورِهِمْ غَیرَ رَاکبینَ)** بی‌اختیار بر تابوت قرار دارند و به سوی قبر سوق داده می‌شوند. بی‌آنکه خود بخواهند، آن‌ها را زیرخاک قرار می‌دهند. هنگامی‌که به قبرستان می‌روید، چنان دوستان، نزدیکان خود را خاموش می‌بینید، **(فَکأَنَّهُمْ لَمْ یکونُوا لِلدُّنْیا عُمَّاراً)** که گویا هیچ‌گاه در دنیا نبوده‌اند. گویا اصلاً به این دنیا نیامده‌اند و همواره در آن دنیا بوده‌اند. می‌بینید نزدیکان خود را که چگونه با آنچه از او وحشت داشتند، محشور شدند. تصور اینکه زیر انبوه خاک گم شویم برای ما وحشت‌انگیز بود، امّا یک روزی این وحشت را درک خواهیم کرد. می‌بینید که چگونه خود آن‌ها و اعمالشان باقی ماندند. و آنان دیگر توانا بر جبران گناهان و معصیت‌ها نیستند و دیگر نمی‌توانند در عبادت و پرستش خدا کوششی به عمل‌آورند. **(لا یسْتَطِیعُونَ اِزْدِیاداً)** دیگر نمی‌توانند بر ذخیره خود بیفزایند. اما روزهای قبل آن‌ها با دنیا مأنوس بودند و دنیا آن‌ها را مغرور ساخت. آن‌ها به دنیا اعتماد کردند، امّا، دنیا آن‌ها را به زمین کوفت و امروز در آنجا قرار دارند. شما زنده‌ها از این جریان‌ها، عبرت بگیرید.

# مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی ایران درگذشته

مهم‌ترین تحولات اجتماعی و سیاسی، در حدود یک قرن اخیر، قضیه تنباکو، مشروعیت و نهضت ملی نفت و از همه مهم‌تر انقلاب اسلامی اشاره‌کنیم. بسیاری از شورش‌ها، نهضت‌ها و مقاومت‌ها در گوشه و کنار کشور ایران در یک قرن گذشته بوده است که مهم‌ترین آن‌ها همین چهار مورد است.

نهضت تنباکو که مسبوق به حرکت‌های بزرگ و عظیم سید جمال‌الدین اسدآبادی بود. و یکی از نمودهای آن عالم بزرگ مرحوم جمال‌الدین بود که با فتوای مرجع عظیم‌الشأن عالم اسلام اتفاق افتاد.

مشروطه: از تحولات بزرگی بود که با شرایط کشورهای دیگر نیز ارتباط داشت.

نهضت ملّی نفت: این نهضت با کودتای 28 مرداد، اوضاع برگشت و به شکل دیگر درآمد.

انقلاب اسلامی: این انقلاب به بنیادهای جامعه پرداخت و یک تحوّل بنیادی و عظیمی به خاطر آن رخ داد.

# ملی شدن صنعت نفت

قضیه ملی شدن نفت، چیزی بود که یک گروه نتوانست در کشور آن را تحقق ببخشد. گروه‌ها و اقشار مختلف در نهضت نفت حضور داشتند، امّا بانفوذ و سرپرستی یک روحانی آگاه و سیاست‌مدار به نام آیت‌الله کاشانی بود. ایشان در مبارزه با انگلیس، آزاد شدن عراق و تحولات مهم خاورمیانه شخصیتی شناخته‌شده بود. آیت‌الله کاشانی و «جبهه ملی» به رهبری دکتر مصدق در مجلس شورا و مطبوعات و اجتماعات مردمی، خواستار ملی شدن صنعت نفت شدند و این خواسته موردحمایت گروه‌های کثیر مردم و تنی چند از علمای برجسته نظیر آیت‌الله‌العظمی خوانساری (از مراجع ثلاث قم)، آیت‌الله بهاءالدین محلاتی، آیت‌الله عباسعلی شاهرودی و...‌ جامعه را بیدار و آگاه کردند و در برابر استعمار و استبداد مقاومت نشان دادند. با حضور آیت‌الله کاشانی نهضت ملی شدن نفت تحقق پیدا کرد و انگلیس شکست خورد و دولت مصدّق با پشتیبانی آیت‌الله کاشانی شکل گرفت و باعث فراری شدن شاه از کشور شد.

وقتی به روزهای قبل 28 مرداد دقت شود، مشاهده می‌شود که در دوره‌ای با پشتیبانی مرحوم آیت‌الله کاشانی و با وحدتی که بر جامعه و انگیزه‌ای که بر جوانان حاکم بود، در کشور ایران نفت ملی شد و طرح انگلیس با شکست مواجه شد و دست‌نشاندگان آن‌ها در برابر یک دولت ملّی و پشتوانه عظیمی که از دین و روحانیت همراه بود، احساس عجز و ناتوانی کردند و باکمال خفّت شاه از کشور فرار کرد. همین‌که دولت بر سرکار آمد، اختلافات اوج گرفت و فاصله‌ها زیاد شد، و فکر کردند که با آن اختلافات می‌توانند به صورتی روی پای خودشان بایستند، درصورتی‌که دشمنان در کمینگاه نشسته بودند تا زمینه‌ای را ببینند و به کشور هجوم بیاورند.

# ارزیابی نقش و میزان تأثیر افراد در واقعه 28 مرداد

تحلیل زمینه‌های وقوع کودتا و ارزیابی نقش و میزان تأثیر برخی اشخاص و جریان‌ها در این واقعه، از دیدگاه‌های متفاوت صورت پذیرفته است و معمولاً با جانب‌داری از یک جناح و مطلق‌انگاری مواضع و عملکرد آن تلاش می‌شود تا همه تقصیرها متوجه جناح دیگر شود. برخی با نگاه مصدق محوری همه اشتباهات و خیانت‌ها را به‌پای آیت‌الله کاشانی و جداشدگان جبهه ملی گذارده و کسانی نیز با نگاه کاشانی محوری، از ابتدا ماهیت، نقش و عملکرد دکتر مصدق و هم‌فکران وی را زیر سؤال برده و آنان را مسئول زمینه‌سازی و موفقیت کودتا برمی‌شمارند. البته در هر دو نگاه، انگلیس و امریکا طراح و برنده ماجرا برشمرده می‌شوند و مقصران را نیز در اردوگاه آنان قرار می‌دهند. بدیهی است که تحلیل یک‌سونگرانه و افراطی آنان که وقایع و اشخاص را سیاه‌وسفید ترسیم می‌کنند و با اغماض، از قصورها و تقصیرهای بارز و آشکار جناح مطلوب خویش عبور می‌کنند، نمی‌تواند بیانگر همه ابعاد واقعه باشد، و باب مناقشات و اختلافات را با حدّت و شدّت بیشتری باز می‌گذارد. به‌ویژه آنکه اهداف و اغراض سیاسی و مسلکی و حزبی باقیمانده از دوران نهضت ملی در نسبت با شرایط روز، کماکان با تعصب و حرارت احیاشده و تداوم‌یافته‌اند.

اختلاف‌های فراوان سیاسی و غفلت کشنده‌ای که بر سیاست‌مداران حاکم شده بود و غافل بودند که دشمنان در کمین نشسته‌اند و مجموعه این عوامل دست‌به‌دست هم داد که در خلأ قدرت، آمریکایی‌ها حرکتی را انجام دادند و عده‌ای را اجیر کردند که در تهران ریختند و از طرفی مردم دین‌دار، انگیزه نداشتند و مسیر را درست نمی‌دیدند و با این اختلافات دشمن موفّق شد که شاه را دوباره برگرداندند و اوضاع بدتر از قبل شد.

امروز نیز همین عوامل می‌تواند کشور ایران را به ضعف و شکست بکشاند. بودن جناح‌های مختلف و بحث و گفتگوی آن‌ها کار منفی نیست، بلکه انسان احساس می‌کند که محورهای وحدت رو به شکسته شدن است. وقتی‌که محورهای وحدت شکسته بشود و جناح‌ها به‌قصد کشت به جان هم بیفتند و به هیچ نحو ملاحظه یکدیگر را نکنند و در این میان مردم نیز احساس بی‌انگیزه‌ای و بی‌تفاوتی کنند، نتیجه همین کودتای 28 مرداد و حکومت تاریک پهلوی شد، آن‌هم امروز وجود دارد.

هنگامی‌که انسجام کلی وجود داشته باشد و محورهای وحدت و اساس‌های دینی و ارزش‌های متعالی حفظ شود و به قواعد اخلاقی و آداب سیاسی و اجتماعی احترام گذاشته شود، در این صورت می‌توان کشور را حفظ کرد.

امروز در اخبار افشاشده کاخ سفید و سیا مشاهده می‌شود که حتی آن‌ها عربستان که مزدور خودشان بود و مسلمانان را به خاطر دشمنی با آمریکا به خاک و خون می‌کشیدند را زیر ذرّه بین قراردادند و در بعضی از اسناد ذکرشده که آن‌ها را نیز جزء محور شرارت قرار داده‌اند. این نشان می‌دهد که بحث خیلی وسیع‌تر از این است که یک‌گوشه ایران است. ایران سنبل و نماد یک اسلام‌خواهی و آزاد طلبی در دنیا بود که امروزه نیز همین‌طور است. این شرایط نشان می‌دهد که درس و عبرت‌هایی که در 28 مرداد بوده است برای همه جناح‌های ایران قابل تأمّل و دقت فراوان است. درسی که باید از این واقعه بگیریم، وحدت، انسجام، انگیزه داشتن، علاقه‌مند بودن، نسل جوان هوشیار، و توجه به نیازهای آن‌ها و اصلاح درست امور به‌گونه‌ای که مشکل و خلل در کشور ایجاد نگردد و باعث بی‌تفاوتی و بی‌انگیزه شدن همگان نینجامد.

# اشاره به کنکور

در آمار و ارقام، نوجوانان و جوانان کشور در کنکور وضع بسیار خوب و مطلوبی دارند.

# آمار کنکور کشوری:

تقریباً 34 درصد داوطلبان در کنکور شرایط ورود در دانشگاه رادارند. یعنی از تمام داوطلبان و شرکت‌کنندگان در کنکور یک‌سوم آن‌ها واجد شرایط هستند.

1. . آل‌عمران 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. . بقره آیه 21. [↑](#footnote-ref-2)
3. . ابراهیم آیه 37. [↑](#footnote-ref-3)
4. . بقره 83. [↑](#footnote-ref-4)
5. . انبیاء 73. [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل‌عمران 39. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره کوثر. [↑](#footnote-ref-7)
8. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-8)
9. . توبه 119. [↑](#footnote-ref-9)